



پیام نهان طنز وودی آلن، خطر حاکمیت کلیشه‌ها

«وودی آلن» کارگردان، نویسنده و هنرپیشه طنزپرداز آمریکایی به خاطر نوشتن سناریو فیلم «هانا و خواهرانش» جایزه اسکار سال ۱۹۸۷ را از آن خود ساخت. طنز آلن برای تماشاگر ایرانی آشناست و بسیاری از فیلمهای او در ایران به نمایش درآمده است. ارزش آلن در طنز زنده و معاصر او

و توجهش به مسائل زندگی فردی است. نوشتار زیر کوتاه شده مقاله‌ای است که در مجله سینمایی «فیلم گمنت» انتشار یافته و به این مناسبت انتخاب شده که خوانندگان ایرانی را بیشتر با این کارگردان آشنا کند.

مصدیقی ندارد. او هر چه بیشتر به کار، زندگی، دوستان و روابط خصوصیش می‌پردازد، جا افتاده‌تر به نظر می‌آید. به عبارتی باید گفت وودی آلن مانند برادران مارکس به سینمایی جسور روی آورده و سدها را می‌شکند.

اولین فیلم آلن «چه پیش آمده تایگر لی لی» (۱۹۶۶) یک فیلم ژانری - جاسوسی و ساخته شخص دیگری بود. آلن با درهم ریختن صحنه‌ها، تعویض دیالوگها و جایگزین کردن گفتگوهای تند و بدون ارتباط منطقی با تصاویر، فیلم جدیدی ساخت که به عنوان طنزی سبک تماشاچیان را راضی می‌کرد و می‌خنداند. این فیلم در زندگی حرفه‌ای آلن یک دستگرمی محسوب می‌شد، تا اینکه اولین بار به عنوان یک کارگردان تمام عیار فیلم «پول را بردار و فرار کن» (۱۹۶۹) را ساخت. فیلمی پر طنز به سبک برادران مارکس. پس از آن فیلم «انقلابی قلابی» (۱۹۷۱) برجسته‌ترین اثرش را به عنوان طنزآور آغازشیت سینما ارائه کرد. فیلمنامه این دو فیلم با همکاری میکی رز نوشته شده بودند.

انقلابی قلابی

«پول را بردار و فرار کن» مستندی پر طعنه از زندگی ویرزویل استارگول (وودی آلن)، یک دزد خسرومیاست. ویرزویل در بیشتر اوقات سرگرم طرح نقشه‌هایی برای دستبرد زدن به بانک و فرار از زندان است.

سازنده، با در نظر گرفتن اصول زیبایی-شناسی، پربارتر شده است. شخصیتهای یک بعدی و کاریکاتورمانند که تنها به شرحیهای سطحی می‌پردازند و مایه تفریح می‌شده، به انسانهایی واقعی با گوشت و پوست تبدیل شده‌اند. شخصیتهای فیلمهای اخیر آلن انسانهایی هستند مانند خود او شتمند و صاحب احساسات و مشخصات فردی. خط داستان نیز هر بار روشن‌تر، واقعی‌تر و به سرگذشت نویسنده بیشتر

شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
* تا به حال هر گاه آلن از دنیای آشنای اطرافش جدا شده و مسائل سرگذشت خود را رها کرده، کوششهای او در زمینه سینما ناموفق بوده و استعدادش را زیر سؤال برده است.

شبهه می‌شود. البته بعضی معتقدند که در زمینه تصه‌پردازی، پرداختن بیش از حد به زندگی شخصی گوینده، نشانه ناشیکگری است. اینها می‌گویند که نویسنده جوان بعد از اولین زمان که سرگذشت خودش بوده باید پخته‌تر شود و تصوراتش در قالبهای متفاوت و جدیدی متجلی شوند. ظاهراً این اصل در ارتباط با کارهای وودی آلن

فیلمهای وودی آلن هر چه پیش می‌رود جا افتاده‌تر، پیچیده‌تر و واقع‌بینانه‌تر می‌شوند. او درباره مردمی آشنا و معاصر با مشکلات ملموسشان فیلم می‌سازد. موضوعهای او از میان مسائل جدی زندگی، مانند عشق و رابطه، توهم و واقعیت و زندگی و مرگ انتخاب شده‌اند.

در فیلم «هانا و خواهرانش» وودی آلن نقش «میکي ساکس» تهیه کننده مایوس فیلمهای تلویزیونی را بازی می‌کند. او با تماشای فیلم «سوپ اردک» (به کارگردانی جوئل مک کری ۱۹۳۳) در سینمای متروی مانهاتن برای زندگی انگیزه پیدا می‌کند. طنز این صحنه طعنه‌ای است در ارتباط با زندگی حرفه‌ای خود آلن - نویسنده و کارگردانی که مدتهاست ساختن فیلمهای سبک، و مفرح و شلوغ شبیه به «سوپ اردک» را کنار گذاشته است.

این اولین بار نیست که وودی آلن این مشکل را در فیلمش مطرح می‌کند. او قسمت اعظم فیلم «خطرات استارداست» (۱۹۸۰) را به انتقاد از تماشاگران و مقدانی اختصاص می‌دهد که مایل‌اند او دوباره شیوه‌های سابقش را در فیلمسازی پیش بگیرد و فیلمهایی از نوع «سوپ اردک» بسازد.

فیلمهای اخیر آلن با توجه به مبارزهای متعارف سینمایی، در مقایسه با فیلمهای اولیه‌اش، پیشرفت‌های محسوسی دارند. امر فیلمبرداری فکر شده‌تر و در جهت اهداف

«انقلابی قلابی» سرگذشت فیلدن ملیش (وودی آلن) بازرسی فنی پرحرفی است که برای انجام مأموریتی به سن مارکوس (یک کشور کوچک خیالی آمریکای لاتین) اعزام شده. او در محل با گروهی از انقلابیون آشنا شده و بعد از انقلاب رییس جمهور آن کشور می‌شود.

در هر دو این فیلمها طرح داستان و شخصیتها تلاشهایی هستند در زمینه طنزی آزاد و بی قید و شرط. بسیاری از شوخیها در لفظ جریان دارند و با موقعیتهای پیش آمده در داستان ارتباطی نمی‌یابند؛ زمانی که سردست‌کشورشیان (آلن) در سن مارکوس به قدرت می‌رسد احکام ظالمانه‌ای صادر می‌کند. او در حین سخنرانی می‌گوید: «زبان رسمی سن مارکوس سوئدی خواهد بود. تمام شهروندان باید هر نیم ساعت یک بار لباسهای زیر خود را عوض کنند... تمام کودکان زیر ۱۶ سال از امروز ۶۱ ساله محسوب می‌شوند.» یکی از معاونان او در همین حال با تنفر زمزمه می‌کند: «قدرت او را دیوانه کرده.»

در هر دو این فیلمها آلن در سینما که وسیله ارتباط دیداری و مبتنی بر تصاویر است مهارتی اعجاب‌انگیز و دلپذیر در کاربرد طنز لفظی نشان می‌دهد. البته بدون اینکه از قدرت تصاویر بکاهد. مثلا در طول داستان کم تحرک فیلم «پول را بردار و فرار کن» نکات طنزآمیز تصویری نیز، در هماهنگی کامل ظاهر می‌شوند. ما با شخصیتی قرسو، عصبی و مضحک که آلن طی سالیان، در رویارویی با زندگی روز-مره‌اش، آن را تکامل بخشیده، از طریق تصاویری استادانه آشنا می‌شویم. در فیلم می‌بینیم که جوانان ضعیف‌کشی در دوران کودکی ویرژیل مرتب عینک او را زیر پاهایشان خرد می‌کنند و بعدها قاضی دادگاهی که او را محکوم به حبس کرده عینکش را زیر پا له می‌کند. این هماهنگی در طنز تلخ که با ایجاد یک چرخه و تکرار در دو موقعیت مختلف پیش آمده به تحکیم ساخت در فیلم‌های آلن کمک می‌کند.

فیلمهای «پول را بردار و فرار کن» و «انقلابی قلابی» هنرلهایی مبالغه‌آمیز و گزنده (از جلسات دادگاهها، فیلمهای مربوط به زندان و تبلیغات تلویزیونی) هستند که وودی آلن کلیشه و قالب آنها را در خارج از محل اصلی خود مورد استفاده تصویری قرار می‌دهد.

در فیلم «پول را بردار و فرار کن» ویرژیل سعی می‌کند به یک بانک دستبرد بزند، ولی کارمند بانک یادداشت تهدیدآمیزش را که هیچ‌کس نتوانسته به درستی آن را بخواند، به او پس می‌دهد و تذکر می‌دهد که باید آن را به تأیید یکی از

مقامات بانک برساند. خنده‌هایی که این نوع صحنه‌ها برمی‌انگیزد دولت دارند؛ اول تضاد مشاهده حرکات آشنا و روزمره و خارج از موقعیتهای متعارف و دوم تعجب نکردن دیگر شخصیتهای داستان از واقعه مضحک نخستین.

به نظر هائری برگسن منقد فرانسوی طنز در آثار آلن از حرکات انسانیایی سرچشمه می‌گیرد که مثل ماشین عمل می‌کنند و این حرکات ماشینی از رفتار انسانها در زندگی عادی و روزمره الهام گرفته شده است. پیام نهایی طنز وودی آلن خطر حاکمیت کلیشه‌هاست، و اینکه این کلیشه‌ها انسانها را تبدیل به ماشینهای خودکاری می‌کنند، بدون هر گونه ابتکار عمل، که تنها قادر باشند عکس‌العمل نشان بدهند.

* طنز در آثار آلن از حرکات انسانیایی سرچشمه می‌گیرد که مثل ماشین عمل می‌کنند و این حرکات از رفتار انسانها در زندگی عادی و روزمره الهام گرفته شده است

وودی آلن از ابتدا نشان می‌دهد که بازیگر ماهری در زمینه‌های کمدی است. بازی او به مثابه یک سفوفی از حماقتهای عصبی و هیجان‌زده است با یژواکهایی از چارلی چاپلین، هری لنگدن، باب هوب و جری لوئیس. حتا ملاحظاتی عشقی نیز که در فیلمهای آلن نسبت به طنز در مرحله دوم اهمیت فراز دارند با طرافت خاصی طرح می‌شوند.

در فیلم «پول را بردار و فرار کن» ویرژیل اولین بار مارگالین را در حال نقاشی در پارک می‌بیند و برای ربودن کیفیت از پشت به او نزدیک می‌شود. مارگالین تصور می‌کند که ویرژیل سعی دارد دزدکی نقاشی او را تماشا کند. ویرژیل دستبسته شده، سر صحبت را باز می‌کند و آنها شروع می‌کنند به قدم زدن باهم. در قسمتهای بعدی فیلم ویرژیل ماجرا را این‌طور تعریف می‌کند: «بعد از ۱۵ دقیقه می‌خواستیم با او ازدواج کنیم و در نیم ساعت بعدی به کلی از دزدیدن کیفیت منصرف شده بودم.» این یک شوخی بود ولی به اندازه صحنه‌هایی که در فیلمهای بعدی آلن شاهد آن هستیم، احساس دوگانه عشق و وسوسه‌های استثمارگری مردها نسبت به زنان را افشا می‌کند.»

توجه آلن به روابط میان زن و مرد در فیلم «دوباره سعی کن سام» (۱۹۷۲) دارای اهمیتی محوری است. این فیلم به کارگردانی «هربرت راس»، براساس نمایشی از وودی آلن که قبلا در برداری اجرا شده بود، ساخته شده است.

در این فیلم آلن فلیکس (وودی آلن) نویسنده‌ای یکی از مجلات سینمایی سانفرانسیسکو که همسرش او را ترک کرده از قرار ملاقات گذاشتن با زنهای دیگر وحشت دارد. او در خیال به وسیله «تربیشه» مورد علاقه‌اش، «همفری بوگارت» و در زندگی واقعی به وسیله زوجی از دوستانش، لیندا و دیک راهنمایی و حمایت می‌شود.

از یک سو روح همفری بوگارت در کنار او روی مبل ظاهر می‌شود و نصیحتش می‌کند و از سوی دیگر لیندا و دیک وسیله آشنایی او با دختری می‌شوند که آلن از برقراری ارتباط با او عاجز است.

برخلاف دو فیلم قبلی‌اش، در «دوباره سعی کن سام» از جنجال، شلوغی و طنزی که همه چیز را دربر می‌گیرد کمتر اثری برجای مانده است. بی‌شک این فیلم از نظر قواعد سینمایی دارای بهترین ساخت، در چهارچوبی مشخص و فکر شده است. آلن در شروع فیلم در حال تماشای صحنه آخر فیلم «کارابلانکا» است و این صحنه، در آخر فیلم برای خود او عینا اتفاق می‌افتد.

با اینکه در این فیلم روابط میان زن و مرد طنزآلود و مبالغه‌آمیزتر از آثار بعدی وودی آلن است ولی هنوز هم فیلم «دوباره سعی کن سام» تیزبینانه‌ترین کشف‌طنز-آلود وودی آلن در تم «تزلزل مردها» به شمار می‌رود.

در فیلمهای بعدی که به ترتیب عبارت بودند از: «همه آنچه می‌خواستید درباره سکس بدانید» (۱۹۷۲) «خواب‌آلود» (۱۹۷۳) و «عشق و مرگ» (۱۹۷۵) آلن به سبک طنز لجام گسیخته خود رجعت می‌کند، گاهی هم گرفتار شوخیهای تکراری می‌شود. مثلا «عشق و مرگ» تجربه‌ای است مبتنی بر کلام و بازی با الفاظ. در این فیلم به کرات تک جمله‌ای‌هایی بدون ارتباط با موضوع اصلی، از شخصیتها شنیده می‌شود از قبیل: «به مرگ به‌عنوان بهترین وسیله برای قطع مخارج زندگی نگاه کنید.» همین‌طور، قطعاتی در ارتباط با ادبیات و بی‌موضوع، مانند گفتگویی که در سراسر آن عنوان رمانهای مختلف داستایوسکی ردیف می‌شوند، از دستاورد-های جدید آلن در طنز هستند. با فیلم «آنی‌هال» (۱۹۷۷) وودی آلن به عنوان کارگردانی جدی نیز از خود استعدادهایی بروز می‌دهد. در این فیلم اثری از آن

شخصیت پر حرف و شکست خورده همیشگی نیست. آلوی سینگر (آن) یک کم‌دین موفق اهل نیویورک است که فیلمهای برگن را دوست دارد، از لس‌آنجلس متنفر است و برنامه‌های سرگرم‌کننده تلویزیون را به پرسه زدن در میهمانیهای مانهاین ترجیح می‌دهد. آلوی سینگر شخصیتی است بیشتر شبیه خود وودی آلن و بی‌شبهت به قهرمانان فیلمهای سابق او.

در فیلم «آنی‌ها» وودی آلن تمام فرمهای بیان سینمایی را به کار می‌گیرد: او مستقیماً با دوربین صحبت می‌کند (به نوعی با تماشاچی) یا جلوی سیاهی لشکری را که از خیابان عبور می‌کند می‌گیرد تا درباره روابط خصوصی‌اش با آنها صحبت کند و توضیح بدهد.

این فیلم دارای سکانس‌هایی از تخیل، بازگشت به گذشته و حتی یک قطعه نقاشی متحرک نیز هست و از این عوامل برای ایجاد اثرات روانی با تردستی استفاده می‌شود.

آن با ساختن فیلم «مانهاین» (۱۹۷۹) که در واقع قطعه تکمیلی «آنی‌ها» است به مرحله جدیدی از تحلیل رفتارهای خود قدم می‌گذارد (فیلمنامه هر دو این فیلمها با کمک مارشال بریکمن نوشته شده است.) تا به حال هرگاه آلن از دنیای آشنای

اطرافش جدا شده و مسائل سرگذشت خود (اتوبیوگرافیک) را رها کرده کوششهای او در زمینه سینما ناموفق بوده و استعدادش را زیر سوال برده است.

طرح‌های کوتاه

فیلمهای بعدی او «کمدی سکسی یک نیمه‌شب تابستانی» (۱۹۸۲) «زلیک» (۱۹۸۳) «رنی رز برادوی» (۱۹۸۴) و «رز ارغوانی قاهره» (۱۹۸۵) طرحهای کوتاهی هستند که از آنها فیلمهای بلند داستانی ساخته شده است. به عبارتی امتدادهای غریزی که تصادفاً جرعه زده‌اند. مثلاً زلیک یک مستند غیرواقعی درباره مردی که به شیوه اکتاب پرست به هرکس نزدیک می‌شود خواص او را کسب می‌کند، تنها نمایی از قدرت در زمینه تکنیک است. مقدار زیادی از این فیلم به سبک مستند-های قدیمی بازسازی شده است. آلن در این فیلم در کنار هربرت هور و در میان همرازان هیتلر قرار می‌گیرد، ولی این چشمبندی پس از ۳۰ دقیقه جذابیتش را از دست می‌دهد.

«رز ارغوانی قاهره» نیز تلاشی شکست خورده در جستجوی سینماست. در این فیلم شخصیتی از کمدی زمانیکهای سالهای ۳۰ از پرده سینما بیرون می‌آید و وارد دنیای واقعی می‌شود و کارسوزنی (میا فارو) که

به تماشای این فیلم رفته عاشق این شخصیت می‌شود. این ترفند وسیله‌ای برای تکرار شوخیهایی درباره زندگی واقعی و زندگی در سینماست. این داستان به آن فرصت می‌دهد تا نقش سینمای سالهای ۳۰ هالیوود را در فرار از وضع نابسامان اقتصادی و افسردگی روشن کند.

هانا و خواهرانش

«هانا و خواهرانش» یک فیلم تکامل یافته و غنی است. در این فیلم آلن به زمینه آشنای کارهای خود - دنیای هنرپیشگان مانهاین و روشنفکران - بازمی‌گردد، ولی با دیدگاهی مشخص‌تر و جمع و جورتر.

این فیلم شباهتهای سطحی به فیلم «داخلی‌ها» (۱۹۷۸) دارد که نگاه برگمی آلن، به یک خانواده است. «هانا و خواهرانش» شاداب، پرطنز و پرحرارت است. فیلم آخر وودی آلن بعد از «هانا و خواهرانش»، «روزهای رادیو» (۱۹۸۷) نام دارد که کوله‌باری است از خاطره‌ها، نویسنده و کارگردان این فیلم خود وودی آلن است و فیلم سلسله‌ای از لطیفه‌هایی است درباره کمدی و نوجوانی آلن در اطراف نیویورک، در طول جنگ جهانی دوم. آلن از طرز گفتگوی قدیمی به سبک رادیو و موسیقی محفل گونه دهه ۴۰ به عنوان کششهای استاتژیک در سینما استفاده می‌کند.

خانه ورزش ایران زمین



تمام امکانات خود را در اختیار شما می‌گذارد تا از اوقات فراغت خود لذت ببرید.

- * سونای بخار - سونای خشک (تمام وقت حتی ایام تعطیل)
- * رشته بدن‌سازی، با دستگاههای مدرن و پیشرفته زیر نظر مربیان با سابقه.

ورزش درمانی و فیزیوتراپی مخصوص بانوان



* ماساژ

* رشته بدن‌سازی ویژه بانوان

* اپیلاسیون - زیبایی - ماساژ - پارافین -

سونای خشک و سونای بخار برای بانوان

آدرس: کارگر شمالی خیابان هفتم شماره ۳۶

تلفن ۶۳۵۲۱۶

تدریس خصوصی

به وسیله دبیران باتجربه در کلیه رشته‌ها

از ابتدائی تا دانشگاه، کنکور، تقویتی و تجدیدی مکالمه، گرامر و نامه‌نگاری انگلیسی با سریعترین متد، ترجمه کلیه متون و مدارک در اسرع وقت

تلفن ۸۳۸۸۶۴